

## بازهم در مورد هدفمند شدن یارانه ها

### دیدگاه های متفاوت

صادق افروز

نظر به اهمیتی که عملی شدن قانون حذف سوبسید ها ( هدفمند شدن یارانه ها ) در زندگی اقتصادی ایران بازی خواهد کرد ، اقتصاددانان و تحلیلگران سیاسی که مسائل ایران را از نزدیک دنبال می کنند آن را مورد توجه خود قرار داده اند . از جمله این تحلیل گران ، جواد صالحی اصفهانی است که در دانشگاه هاروارد تدریس می کند و اخیرا مقاله ای از او در همین زمینه در نشریه مانلی ریویو به چاپ رسیده است .

پس از اشاره به مخالفت مجلس با در اختیار قرار دادن 40 میلیارد دلار در آمد حاصله از حذف سوبسید ها و موافقت با تنها 20 میلیارد دلار ، صالحی اصفهانی احتمال افزایش تورم را حتی تا میزان 50 درصد رد نمی کند ولی در مورد افزایش فقر تردید نشان می دهد . برای اثبات نظر خود و در دفاع از این قانون ، اصفهانی جدول زیر را که از آمار های منتشره در سال 2007 استنتاج کرده است مورد استفاده قرار می دهد

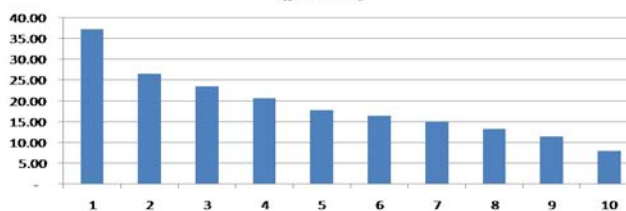
Deciles	Subsidy per capita (rials per year)				Share in total subsidy (percent)				
	Per capita expenditures	Bread	Gasoline	Natural gas	Electricity	Bread	Gasoline	Natural gas	Electricity
1	3,180,452	537,625	146,993	228,695	271,186	9.40	2.43	4.10	4.19
2	5,561,280	569,989	200,708	330,132	368,782	9.96	3.32	5.92	5.70
3	7,289,453	591,272	252,110	424,323	436,719	10.33	4.17	7.62	6.75
4	9,117,613	588,636	334,966	463,306	503,558	10.29	5.55	8.31	7.78
5	11,165,132	581,957	357,835	507,877	551,987	10.17	5.93	9.11	8.53
6	13,561,173	577,863	478,430	568,339	608,101	10.10	7.92	10.20	9.40
7	16,689,699	569,847	582,297	652,067	712,700	9.96	9.64	11.70	11.02
8	21,211,878	573,981	815,107	669,535	759,656	10.03	13.50	12.02	11.74
9	28,695,934	560,607	1,072,590	764,976	884,681	9.80	17.76	13.73	13.68
10	58,536,508	569,671	1,797,677	962,691	1,371,505	9.96	29.77	17.28	21.20
Average	17,499,446	572,145	603,871	557,194	646,888	100.00	100.00	100.00	100.00

در این جدول مردم به ده قسمت تقسیم شده اند و هر قسمت را یک دهک می گویند . دهک اول فقیر ترین و دهک دهم ثروتمند ترین افراد جامعه را شامل می شود . بر اساس این جدول آنهایی که در دهک های ثروتمند تر قرار می گیرند در صد بالاتری از سوبسید ها را به خود اختصاص می دهند . اگرچه به نظر می رسد در مورد نان دهک های

مختلف از میزان برابری از سوبسید استفاده می کنند ولی در مورد

انرژی این میزان یک اندازه نیست و دهک های بالایی مصرف به مراتب بیشتری دارند . در مقایسه بین دهک اول و دهک دهم مشاهده می شود که دهک اولی که فقیر ترین بخش را شامل می شود تنها 146993 ریال سوبسید بنزین را به خود اختصاص می دهد در حالی که دهک دهم 1797677 ریال را به خود اختصاص می دهد . علیرغم آنکه سوبسید ها در فقیر ترین دهک نسبت به ثروتمند ترین دهک کمتر است ولی در صد بالاتری از کل مخارج او را تشکیل می دهد . اصفهانی جدول دیگری ارائه می دهد که در واقع بیانگر درصد سوبسید ها در کل مخارج دهک هاست .

Share of subsidy in expenditures (percent)



این جدول بیانگر این واقعیت است که سوبسید ها در صد بالاتری از مخارج را در دهک های فقیر تر شامل می شد اصفهانی معتقد است با عملی شدن قانون به دلیل آنکه دولت به دهک های پایینی مستقیما پول پرداخت می کند این قانون به نفع آنان خواهد بود . آنها اگرچه از بابت قطع سوبسید ها در حدود 360 دلار سالانه از دست خواهند داد ، ولی در عوض 710 دلار از دولت دریافت خواهند کرد . در مقام دفاع از این قانون ، اصفهانی می گوید چون این قانون هم از طرف راست ها و هم از طرف چپ ها مورد انتقاد قرار گرفته ، باید در مسیر صحیحی قرار داشته باشد . اگر این شیوه استدلال را بپذیریم آنوقت حکومت کره شمالی ، طالبان در افغانستان ، نژادپرستان صرب و راهزنان دریایی سومالیایی و آدم خواران دارفوری هم به دلیل مورد انتقاد قرار گرفتن از طرف راست و چپ در مسیر صحیحی قرار دارند .

مقاله دیگری در همین مورد توسط عبدالرضا عفرانی نوشته شده و در سایت پرس تی وی به چاپ رسیده است . عفرانی هم مثل اصفهانی از موضع دفاع از قانون هدفمند شدن یارانه ها مقاله اش را نگاشته است . با این تفاوت که

مقاله او در نشریه متعلق به جمهوری اسلامی به چاپ رسیده است و مقاله اصفهانی در نشریه به اصطلاح وزین و ضد امپریالیستی ماننلی ریویو منتشر شده است. هر دوی این ها هدفمند شدن یارانه ها را بطور آکادمیک، دانشگاهی و انتزاعی مورد بررسی قرار می دهند. اصلاً به این واقعیت کاری ندارند که در ایران یک دولت فاشیست بر سر کار است که هر صدای اعتراضی را خفه می کند و به برکت همین سرکوب حکومت گران میلیارد ها دلار از ثروت و سرمایه های مردم را به حساب های شخصی در خارج منتقل کرده اند. اصلاً به این کار ندارند که حضرات به برکت جایگاهی که دارند آنقدر جنس بنجل وارد کرده اند که تولید داخلی را به شکست کشانده و بیکاری را به فجیع ترین وجهی افزایش داده اند.

غفرانی مقاله اش را قبل از تصویب قانون هدفمند شدن توسط مجلس نوشته است، اما اظهار امیدواری کرده است که این لایحه توسط مجلس به تصویب برسد. به زعم غفرانی قانون هدفمند شدن یکی از مهمترین قدم های اقتصادی است که دولت ایران در تاریخ اخیر در حال برداشتن آن است. از نظر این شخص تفاوتی بین سوبسید ها در کشور های صنعتی پیشرفته و کشور های به زعم او جهان سوم وجود دارد. در کشور های جهان سوم سوبسید به بخش فقیر جامعه تعلق می گیرد تا از گرسنگی جان ندهد در حالی که در کشور های پیشرفته سرمایه داری سوبسید به بخش تولید پیشرفته تعلق می گیرد. بقیه مقاله غفرانی وراجی در باره حیف و میل کردن و اسراف بیش از حد مردمی است که به دلیل سوبسید ها پر هزینه و اسراف کن شده اند. نویسنده که واقعا صدایش از جای گرم در می آید در باره مضرات یارانه ها داد سخن می دهد و می گوید دولت ایران سالانه 90 میلیارد دلار خرج سوبسید می کند. ایرانی ها 19 امین کشور از لحاظ مصرف انرژی هستند مصرف سرانه انرژی در ایران 5 برابر اندونزی، 4 برابر هندوستان و دوبرابر چین است. نویسنده ولی معترف است که مصرف نان در ایران بیشترین مقدار در جهان است. واقعا چرا ایرانی ها مجبورند برای پر کردن شکمشان آنقدر نان بخورند تا رکورد دار مصرف نان در جهان باشند؟ بد نبود غفرانی تحقیقی هم درباره میزان مصرف گوشت در ایران می کرد. بسیاری از خانواده های ایرانی توانایی مصرف گوشت را بیش از یکبار در هفته یا حتی یکبار در ماه را نیز ندارند.

اپولوژیست های رنگارنگ جمهوری اسلامی اینبار نیز به کمک جمهوری اسلامی آمده اند. همانگونه که در متن بحران هسته ای دام "چرا اسرائیل داشته باشد و ایران نه" را پهن کردند و برای شعار های پوپولیستی ضد امپریالیستی احمدی نژاد هورا کشیدند و از نقش مثبت و مترقی جمهوری اسلامی در مناقشه اسرائیل - فلسطین و لبنان دفاع کردند، اینبار نیز در محتوی قانون هدفمند شدن یارانه ها باری مترقی و مثبت می بینند. بازنده اصلی در این میان کارگران و زحمتکشان و مزد و حقوق بگیران هستند اگر توده های کار و زحمت نماینده و سخنگوی خود را در جامعه داشتند یعنی اگر حزب انقلابی طبقه کارگر در جامعه ایران وجود داشت ماهیت واقعی و تأثیرات بسیار مخرب عملی شدن این قانون را توضیح می داد. زحمتکشان ایرانی هنوز از عواقب عملی شدن این قانون و تورم افسار گسیخته ای که نان را از سفره های آنان خواهد ربود بطور دقیق با اطلاع نیستند.

از جمله کارشناسان اقتصادی که نظری متفاوت با اپولوژیست های رژیم دارند فریدون خاوند کارشناس اقتصادی مقیم پاریس است. خاوند با اشاره به روشن نبودن شمار کسانی که از این یارانه ها بهره خواهند برد می گوید:

«کسی دقیقاً نمی داند چه مقدار یارانه نقدی قرار است به هر خانوار یا هر فرد ایرانی تعلق گیرد. کسی نمی داند از محل حذف تدریجی یارانه ها چه مقدار درآمد در اختیار دولت قرار می گیرد. عده ای می گویند ۱۰۰ هزار میلیارد تومان. گروه دیگری ۲۰۰ هزار میلیارد تومان. برای واحدهای تولیدی که با حذف یارانه ها

با وضعیتی که این قانون قرار است اجرا شود، خود دولتیان هم تصور روشنی از اجرای آن ندارند. نکته دیگر این که ما یک «متولی» شناخته شده در مورد اجرای این قانون نداریم. می گویند سازمانی درست شده به نام سازمان هدفمند کردن یارانه ها. ولی آیا این سازمان است که باید جوابگو باشد در مورد نحوه اجرای قانون یا رئیس دولت؟»

فریدون خاوند تاکیدی می کند که به دلیل پائین نگاه داشته شدن نرخ ارز در ایران به شیوه مصنوعی، دولت به گونه ای یارانه به کالاهای وارداتی می پردازد.

وارد کنندگان و تجار کالاهای خارجی از قبل این سیاست استفاده می کنند ..

«این وارد کنندگان هستند که از ارز یارانه ای استفاده می کنند و کالا وارد می کنند و آن را به جان تولید داخلی می اندازند. در حالی که تولید کنندگان و به ویژه صادر کنندگان به دلیلی همین ارز یارانه ای به شدت آسیب می بینند.

فریدون خاوند در پایان این بحث، این پرسش را مطرح می کند که: «آیا مبارزه با تورم از راه حفظ مصنوعی ارزش ارزهای خارجی، راه درستی است؟ آیا این باعث نمی شود که اصولاً تولید داخلی فرو پاشد و صادرات غیرنفتی به شدت آسیب ببینند، همچنانکه این وضعیت در ایران به وجود آمده است؟»

هادی زمانی دیگر کارشناس اقتصادی مقیم لندن است. به نظر او علت اصلی اصرار بیش از حد دولت احمدی نژاد در اختصاص 40 میلیارد دلاری از حذف یارانه ها نداشتن آن در خزانه دولت است. در همین زمینه او می گوید:

"دولت ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار کسری بودجه برای سال آینده دارد و حتی با اختصاص تمام درآمد نفت، این کسری تامین نخواهد شد. همچنین سیاست های خصوصی سازی هم در این شرایط به احتمال قوی پیش نخواهد رفت و درآمدی برای دولت نخواهد داشت. دولت نمی تواند کسری بودجه را از محل افزایش مالیات ها تامین کند، زیرا با رفتن کشور به سمت یک رکود اقتصادی، درآمدهای مالیاتی هم کاهش پیدا خواهد کرد. تنها امید دولت استفاده از درآمد حذف

یارانه‌هاست که این هم کار غیرقانونی است زیرا قرار است این درآمد عمدتاً صرف فعالیت‌های عمرانی و کمک به مردم شود نه برای تامین کسری بودجه."

مردم ایران سال 89 را با نگرانی آغاز کرده اند. مردم با کنجکاوی اخبار مربوط به قانون هدفمند شدن یارانه ها را دنبال می کنند. آنها بیش از هر زمان دیگری در پی دریافت جوابی برای این سوالات هستند:

بودجه دولت چقدر است؟  
درآمد حاصل از فروش نفت چقدر است؟  
نوسانات حاصله از درآمد نفت چه تاثیری بر بودجه دولت می گذارد؟  
کسری بودجه دولت تا چه میزان است؟  
چقدر از درآمد حاصل از فروش نفت در اختیار خامنه ای و سپاه و بسیج قرار می گیرد؟  
آیا سازمان تامین اجتماعی در حال ورشکست شدن است؟ آیا قادر به پرداخت حقوق بازنشستگان و بیمه های بهداشتی شاغلان خواهد بود؟  
آیا هدف اصلی دولت از قطع سوبسید ها ایجاد درآمد برای مقابله با کسر بودجه است؟  
چرا دولت احمدی نژاد آنقدر در افزایش واردات بخصوص از آسیای شرقی اصرار می کند؟ وارداتی که کمر تولید داخلی را شکسته است

میزان واقعی ارزی که سران و حکومتگران جمهوری از ایران خارج کرده و در بانک های خارج پس انداز کرده اند چه میزان است؟ با بازگرداندن این ارز ها به ایران تا چه اندازه می توان اشتغال ایجاد کرد و از میزان بیکاری ها کاست؟

صادق افروز  
اردیبهشت 1389